

غالب

[تأثیر دیپلوماسی اقتصادی بر امنیت در افغانستان]

(مطالعهٔ موردی: بندر چابهار)

نگارنده: دکتر محمد طاهر تنزه‌ای^۱

چکیده

دیپلوماسی اقتصادی، به مفهوم اهمیت یافتن مناسبات اقتصادی در روابط خارجی، یکی از ابزارهای مهم برای پیش‌بُرد اهداف بلندمدت رشد و توسعهٔ اقتصادی، حتاً امنیتی کشورها به حساب می‌آید. اخیراً افغانستان، هند و ایران به توافقی دست یافته‌اند، که به نام توافق چابهار یاد می‌شود. این بندر با توجه به موقعیت خود از پتانسیل‌های ژئوپلیتیکی، ژئوکونومیکی و ژئواستراتیجی مناسبی در مقایسه با بنادر کشورهای منطقه بهره بُرده و از حاشیه امنیت بسیار بالایی برخوردار است؛ علاوه‌بر این، این بندر در نقطهٔ تلاقی کریدور شمال - جنوب و شرق - غرب، می‌تواند نقش در روازهٔ حمل و نقل و به عبارت دیگر، حلقة مرکزی تجارت بین کشورهای آسیای میانه، هند، پاکستان، افغانستان، روسیه و اروپا را ایفا کند.

هدف این پژوهش این بوده است تا به این پرسش پاسخ درخور بیابد که: آیا تأکید بر دیپلوماسی اقتصادی کشور (مطالعهٔ موردی: پروژهٔ چابهار) می‌تواند راهی به سوی تأمین صلح و امنیت بلندمدت در سطح داخل افغانستان و کلید توسعه و هم‌گرایی جدید در سطح منطقه باشد یا خیر؟

یافته‌های این تحقیق کتابخانه‌یی که با روش تحلیلی - توصیفی شکل گرفته، نشان می‌دهند که: دیپلوماسی اقتصادی به دلیل ایجاد منافع مشترک استراتیجیک بین کشورها، می‌تواند علاوه‌بر توسعهٔ اقتصادی در درازمدت، صلح و امنیت را هم در افغانستان و هم در منطقه تضمین نماید.

واژه‌گان کلیدی: دیپلوماسی اقتصادی، توافق چابهار، امنیت، کریدور شمال جنوب و ترانزیت.

^۱- عضو هیئت علمی پوهنخی حقوق و علوم سیاسی پوهنتون غالب هرات.

tahertonzai@gmail.com

مقدمه

دیپلماسی اقتصادی را می‌توان: تمامی فعالیت‌ها، استراتیزی‌ها و ابتكارات هم‌آهنگ و سازگار اقتصادی و سیاسی در دو سطح دولتی و غیردولتی، که در سیاست خارجی کشورها در دو عرصه تعاملی ملی و بین‌المللی باهدف دست‌یابی و حضور در عرصه اقتصاد جهانی و جمع‌آوری و تجزیه و تحلیل اطلاعات برای عرصه داخل به کار گرفته می‌شود، تعریف نمود.

به طور کلی اصطلاح دیپلماسی اقتصادی، به معنای به کار بستن طیف وسیعی از ابزارهای اقتصادی توسط دولتها در خارج از مرزها و در راستای حفظ منافع ملی می‌باشد، که با مشارکت سایر بازیگران (جامعهٔ مدنی، بخش‌های عمومی و خصوصی)، در زمینه‌های مختلف، همچون امنیت، منابع طبیعی (آب، تغییرات آب و هوایی، انرژی)، تجارت، رشد، کمک و اعانه، سرمایه‌گذاری و توسعه انجام می‌شود (محمدی؛ ۱۳۹۴: ۲۴).

افغانستان به عنوان کشوری که از یک طرف با چالش‌های امنیتی به گونهٔ تاریخی مواجه است و از سوی دیگر دهه‌هast که با محض توسعه نیافتنه‌گی دست‌و پنجه نرم می‌کند، دیپلماسی اقتصادی را به عنوان یکی از ابزارهای نوین در سیاست خارجی خود برای دست‌یابی به منافع حداکثری موردن توجه قرار داده است.

مطالعه اسناد بالادستی، برنامه‌های استراتیزیک و عملیاتی حکومت و هم‌چنین سیاست‌های اعلامی مقامات رسمی افغانستان در جلاس‌های ملی و بین‌المللی، متضمن تأکید بر به کارگیری دیپلماسی اقتصادی به عنوان ابزاری کارآمد جهت رسیدن به توسعه و رفاه اقتصادی این کشور می‌باشد.

بندر چابهار در جنوب شرقی ایران در دریای عمان با مشخصات (طول جغرافیایی ۶۰ درجه و ۳۱ دقیقه و عرض جغرافیایی ۲۵ درجه و ۱۲ دقیقه)، موقعیت دارد و دارای کمترین فاصلهٔ تراanzیتی با افغانستان، پاکستان و آسیای مرکزی بوده و اقتصادی‌ترین بندر تجاری برای این کشورها می‌باشد. چابهار با توجه به موقعیت خود از پتانسیل‌های ژئوپلتیکی، ژئوکنومیکی و ژئو استراتیزیکی مناسبی در مقایسه با بنادر کشورهای منطقه بهره برده و از حاشیه امنیت بسیار بالایی برخوردار است؛ علاوه بر این، چابهار در نقطهٔ تلاقی کریدور شمال - جنوب و شرق - غرب، می‌تواند نقش دروازه حمل و نقل و به عبارت دیگر حلقة مرکزی تجارت بین کشورهای آسیای میانه، هند، پاکستان، افغانستان، روسیه و اروپا را ایفا می‌کند (یگانه محلاتی و دیگران؛ ۱۳۹۱: ۵).

مسأله‌یی که باید موردن توجه قرار گیرد این است که: با توجه به واقعیات (ژئوپلتیک، ژئوکنومیک و ژئوکالپر)، افغانستان از یک طرف و مسائل و مشکلات منطقه، شامل تروریزم، افراط‌گرایی، مواد

مخدرا، جرایم سازمان یافته، مهاجرت غیرقانونی، قاچاق کالا، بی عدالتی و فساد اداری از طرف دیگر، افغانستان چطور می‌تواند مسیر توسعه و شکوفایی خود را با موقیت طی نماید. این کشور پس از سال‌ها جنگ و تجاوز خارجی نیازمند آرامشی است تا بتواند هم در آن امنیت و توسعه خود را تضمین کند و هم در تعامل منطقی با جهان قرار گیرد. درواقع بهره‌گیری از ابزار دیپلماسی اقتصادی در دست گاه سیاست خارجی افغانستان، می‌تواند کمک به سازایی برای سیاست‌مداران و تصمیم‌گیران افغانستان در پیمودن مسیر توسعه قلداد گردد.

در باب اهمیت و ضرورت این تحقیق باید خاطرنشان کرد که: افغانستان از جمله کشورهایی است که متأسفانه از نبود منابع علمی و پژوهشی بهشت رنج می‌برد؛ بهمینجهت با انتخاب این موضوع نخست، به عنوان یک مرجع نسبتاً علمی می‌توان از آن استفاده نمود، دوم، از این پژوهش می‌توان به عنوان تحقیقی که تأثیر دیپلماسی اقتصادی بر امنیت و توسعه را در افغانستان در مطالعه موردی بندر چابهار به بررسی گرفته استفاده کرد.

در مورد پیشینه تحقیق، می‌توان به دو اثر ارزشمند در این مورد اشاره نمود، که تا حدودی به این بحث پرداخته‌اند:

«تحلیل استراتئیک بندر چابهار؛ و تأثیر آن بر روابط افغانستان، ایران و هند» اثری مشترک به دو زبان انگلیسی و فارسی از گلشن ساچدوا (هند)، عبدالقدیر متغی (افغانستان) و بهرام امیراحمدیان (ایران) در سال ۱۳۹۷ از انتیتیوت مطالعات استراتئیک افغانستان می‌باشد، که در آن بعد از معرفی مختصراً از بندر چابهار، اهمیت این بندر برای سه کشور افغانستان، ایران و هند توضیح داده شده و اشاره گردیده است، که این بندر با توجه به موقعیت خود از پتانسیل‌های ژئوپلیتیکی، ژئوکconomیکی و ژئواستراتئیکی مناسبی در مقایسه با بنادر کشورهای منطقه از حاشیه امنیت بسیار بالایی برخوردار است. درنتیجه آن تحقیق آمده که بندر چابهار نه تنها برای افغانستان اهمیت دارد، که برای هند و ایران نیز مهم است و این یک آغاز جدید در روابط افغانستان، هند و ایران به حساب خواهد آمد.

پژوهش «تأثیر توسعه بندر چابهار بر روابط خارجی ایران با پاکستان و افغانستان»، نوشته‌ی علی امیری در سال ۱۳۹۶ در دانش‌گاه بیرجند می‌باشد، که در آن اشاره شده، بندر چابهار به دلیل برخورداری از شرایط خاص ژئوپلیتیکی، نقش مهمی در کیفیت روابط خارجی ایران با پاکستان و افغانستان دارد؛ و این نتیجه حاصل گردیده است که: توسعه بندر چابهار باعث هم‌گرایی اقتصادی سیاسی ایران و افغانستان خواهد شد و اما در خصوص پاکستان به رقابت منفی اقتصادی و سیاسی منجر خواهد شد؛ اگرچه پاکستان به صورت علنی بندر چابهار را به عنوان تهدید در نظر نمی‌گیرد؛ اما به شکل تلویحی، از ابتداء، از محوری شدن بندر گوادر سخن به میان آورده است.

بررسی دو اثر موجود نشان می‌دهند که علی‌رغم اهمیت دیپلماسی اقتصادی در سیاست خارجی افغانستان، تاکنون هیچ اثر علمی و پژوهشی قابل توجهی در مورد سیاست خارجی اقتصاد محور افغانستان در قالب کتاب، مقاله یا پایان‌نامه انجام نگردیده و موارد محدودی از فعالیت‌های نوشتاری در این زمینه، بیش‌تر شامل اعلام مواضع، رئوس برنامه‌ها، گزارش‌های رسانه‌یی یا بررسی‌های توصیفی است؛ اگرچه پژوهش‌گران کتاب‌ها و مقالات قابل توجهی را در خصوص سیاست خارجی، اقتصاد و توسعه، چه در سطح منطقه و نظام بین‌الملل انجام داده‌اند؛ با این وجود در زمینه دیپلماسی اقتصادی افغانستان کم‌تر تحقیقی صورت گرفته است. نوآوری‌یی که در این تحقیق به دنبال آن هستیم، شناخت تأثیر دیپلماسی اقتصادی در افغانستان بر امنیت این کشور در مطالعه بندر چابهار می‌باشد؛ به‌نوعی از دروازه اقتصاد (دیپلماسی اقتصادی) در این نقطه از جغرافیا می‌خواهیم به صلح و امنیت برسیم؛ لذا انجام پژوهشی در این راستا دارای اهمیت به‌سزایی است؛ چرا که یافته‌های آن نیز می‌تواند کمک شایانی به دست‌گاه اجرایی در سیاست‌گذاری کشور در حوزه مسائل اقتصادی - سیاسی کند. همچنین برای پژوهش‌گران نیز در انجام مطالعات و پژوهش‌های آتی مورد استفاده واقع گردد.

هدف اصلی این تحقیق، بررسی تأثیر دیپلماسی اقتصادی بر صلح و امنیت در افغانستان با مطالعه موردنی بندر چابهار از طریق تأکید بر توسعه دیپلماسی اقتصادی می‌باشد یا به‌نوعی از دروازه اقتصاد در این نقطه از جغرافیا می‌خواهیم به صلح و امنیت برسیم.

در اینجا این پرسش مطرح می‌شود: آیا تأکید بر دیپلماسی اقتصادی کشور (مطالعه موردنی پروژه چابهار)، می‌تواند راهی به‌سوی تأمین صلح و امنیت بلندمدت در داخل افغانستان و کلید توسعه و هم‌گرایی جدید در سطح منطقه باشد یا خیر؟ پاسخ موقت به سؤال مذکور این است که: دیپلماسی اقتصادی به دلیل ایجاد منافع مشترک استراتیزیک بین کشورها، می‌تواند علاوه‌بر توسعه اقتصادی در درازمدت، صلح و امنیت را هم در افغانستان و هم در منطقه تضمین نماید. اطلاعات مدنظر برای این پژوهش به‌شیوه کتابخانه‌یی - استنادی جمع‌آوری شده است. با توجه به ماهیت موضوع و مؤلفه‌های موردنبررسی، روی کرد حاکم بر پژوهش توصیفی - تحلیلی است.

افغانستان و چابهار

افغانستان دارای سابقه طولانی تجارت با دو کشور ایران و هند می‌باشد. این کشور مهم‌ترین شریک تجاری و اقتصادی منطقه آزاد چابهار نیز می‌باشد. این کشور در گذشته از دسترسی به بازارهای جهانی محروم بوده است. راه‌های زمینی به‌شدت کنترول شده و حضور پاکستان هم‌واره مانع جدی فراروی این تجارت بوده است. برآوردها نشان می‌دهند که افغانستان سه تریلیون دالر

ثروت دستنخورده دارد که می‌تواند برای افزایش عواید دولت از آن‌ها استفاده شود؛ بندر چابهار از این لحاظ یک پروره حیاتی برای افغانستان است، که امکان انتقال کالاهای افغانستان را به شرق میانه و اروپا و زمینه واردات کالاهای حیاتی را به افغانستان میسر می‌نماید. از لحاظ اقتصادی این پروره سبب رشد قابل توجه تجارت و جلب سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های لازم در این کشور خواهد شد. سابقه طولانی تجارت افغانستان با هر دو کشور ایران و هند از دیرباز مطرح بوده؛ اما در این واخر تجارت با هند با دشواری‌هایی مواجه بوده است؛ دلیل اصلی آن پاکستان است. پاکستان از موقعیت خود استفاده کرده و دسترسی هند به محصولات افغانستان را محدود می‌کند؛ و بر عکس با تطبیق این پروره، بندر چابهار تمام بnderهای غربی هند را بهم وصل کرده و مسیر مهم تجاری میان این سه کشور را فراهم خواهد کرد. این یک گام مهم در جهت دورزدن پاکستان است (شهنوایی؛ ۱۳۹۳: ۷۵)؛ هرچند افغانستان کشوری است که زیرساخت‌های لازم برای اتصال و نیز استخراج منابع عظیم نفت، گاز و مواد معدنی خوبی را در اختیار ندارد و یک کشور فقیر به حساب می‌آید؛ اما منابع غنی معدنی دارد. یافته‌های اداره زمین‌شناسی ایالات متحده امریکا، برآوردهای قبلی شوروی را تأیید کرده است. افغانستان دارای ۶۰ میلیون تن مس، ۲۲ میلیارد تن آهن، و $\frac{1}{4}$ میلیون تن دیگر عناصر کمیاب مانند لانتانیم، سریم، نیودیمیم و علاوه بر آن آلومینیوم، طلا، نقره، قلع، سیماب و لیتیم می‌باشد. ارزش ذخایر کمیاب در ولایت هلمند به تنها یک بالغ بر ۸۹ میلیارد دلار می‌شود (تنزهای؛ ۱۳۹۸: ۱۵۱).

طبق برآورد اداره زمین‌شناسی ایالات متحده امریکا، ارزش کلی منابع طبیعی افغانستان بین یک تا ۳ تریلیون دلار است. در کنار عوامل دیگر، به دلیل عدم اتصال افغانستان به یک اقتصاد بزرگ این ذخایر طبیعی همچنان دستنخورده باقی مانده است. این موانع از طریق بندر چابهار که افغانستان را به هند وصل می‌کند، حل خواهد شد. یک دھلیز موفق همچنان جایگاه افغانستان را به عنوان مسیر ترانزیت برای صادرات نفت و گاز طبیعی از آسیای مرکزی به دریای عرب تقویت خواهد کرد.

چابهار یک بدیل خوب برای تجارت و ترانزیت افغانستان و یک فرصت مناسب برای تاجران افغانستان برای دسترسی به دریا از طریق ایران و هند است. ایران و هند با استفاده از این موافقتنامه امکانات سرمایه‌گذاری و صادرات را فراهم می‌کنند. بر اساس این موافقتنامه، ایران ۱۵۰ هکتار زمین را به افغانستان در منطقه آزاد تجاری -صنعتی چابهار اختصاص داده است و شرکت افغان پیشاپیش ثبت نام کرده‌اند (همان: ۱۵۲).

چابهار فرصت‌های استراتئیک چشم‌گیر و گزینه‌های تجاري خوبی را برای افغانستان فراهم می‌کند. از منظر تدارکاتی، بندر چابهار نزدیک‌ترین بندر به افغانستان است. این بندر ۷۰۰ کیلومتر نزدیک‌تر از بندر عباس است و هزار کیلومتر نزدیک‌تر از بندر کراچی در پاکستان است (رمضانی بونش؛ ۱۳۹۱: ۳).

این بندر بهنوعی مهرهٔ تغییردهنده بازی استراتئیک در منطقه است. کشورهای دخیل در این زمینه امیدوار هستند که پروژهٔ چابهار، افغانستان را به مرکز اقتصادی در منطقه تبدیل کند و هم‌چنین روابط روبروی میان افغانستان و هند را افزایش دهد تا این راه و با پیوسته‌گی منافع چند کشور در نهایت برقراری صلح و امنیت را هم برای خود تضمین کنند.

اهمیت چابهار برای افغانستان

الف) جاده اتصال به آسیای مرکزی

بندر چابهار شبکهٔ جاده‌ی ایران را به زرنج افغانستان وصل می‌کند، که حدود ۸۸۳ کیلومتر از این بندر فاصله دارد. جاده زرنج - دلارام، که توسط هند در سال ۲۰۰۹ میلادی احداث شده، به جاده حلقوی افغانستان متصل است. از این طریق ایران هم می‌تواند به چهار شهر عمدهٔ افغانستان به شمول (هرات، قندهار، کابل و مزار‌شریف)، که در نزدیک مرز ازبکستان واقع شده است، دسترسی داشته باشد و به‌تیغ، زمینهٔ دسترسی افغانستان به آسیای مرکزی به‌واسطهٔ این زیرساخت‌ها بیشتر و راحت‌تر خواهد شد.

ب) برقراری رابطهٔ پایدار ارتباطی با هند

دهلیز (چابهار - زاهدان - زرنج)، یک ظرفیت بالقوه برای تغییر بازی در اتصال منطقه‌یی است، که به عنوان یک مسیر بدیل امکان دسترسی افغانستان را به هند از طریق دریا فراهم می‌کند. این اتصال به صورت طبیعی توسعهٔ تعاملات اقتصادی بین دو کشور را افزایش خواهد داد.

ج) عدم وابسته‌گی به پاکستان

در حال حاضر افغانستان برای وصل شدن به دریا به بنادر پاکستان وابسته است؛ اما به دلیل تنش‌های سیاسی بین دو کشور، پاکستان هم‌واره در امتداد مرز دیورند مانع ایجاد کرده است؛ چابهار ظرفیت کاهش وابسته‌گی افغانستان به پاکستان را دارا می‌باشد. برای اتصال منطقه‌یی لازم است کشورها با یک‌دیگر وارد تعامل شوند؛ اما از سال‌های زیادی بدین سو افغانستان کشوری محصور به

خشکی بوده نتوانسته از مرزهای آبی دیگر کشورها استفاده کند. چابهار به عنوان یک مسیر بدیل، وابسته‌گی را به بندر کراچی کاهش می‌دهد.

د) انکشاف صادرات

صادرات افغانستان از سال ۲۰۰۰ الی ۲۰۱۷:

افغانستان برای گسترش صادرات خود به بازارهای بین‌المللی و بهویژه به کشورهای منطقه، از موقعیت مناسبی برخوردار است. محصولات زراعی تولید شده این کشور به طور سنتی از شهرت خوبی در بازار منطقه برخوردار است و نگاه مثبتی نسبت به کیفیت تولیدات افغانی، نظر به اکثر کشورهای دیگر وجود دارد. در حال حاضر مقدار این محصولات محدود است؛ اما ظرفیت بالقوه رشد آن بالاست (کریمی؛ ۱۳۹۶: ۱۳).



ه) تأمین صلح و امنیت در گروه‌بسته‌گی و همکاری منطقه‌یی و جهانی

برای بهره‌بردن از موقعیت استراتژیک خود به عنوان یک پل زمینی بین آسیای مرکزی و جنوبی، بازارهای افغانستان باید به اقتصاد جهانی، بهویژه اقتصاد منطقه وصل شود، تا این کشور به اهداف اقتصادی ملی خود دست یابد. وصل شدن افغانستان به بازارهای جهانی و منطقه‌یی نه تنها میزان رقابت را در صنایع اقتصادی داخلی افزایش می‌دهد؛ بلکه به جذابیت افغانستان برای سرمایه‌گذاران نیز می‌افزاید.

درمجموع افغانستان می‌تواند نقش مهمی در این اقتصاد در حال رشد در منطقه داشته باشد. اخیراً، افغانستان پیشرفت‌های چشم‌گیری در عرصه امنیت و اصلاحات سیاسی حاصل کرده است. به نظر می‌رسد که افغانستان تلاش‌های مشابهی را در عرصه اقتصاد نیز روی دست گیرد؛ علاوه بر دو پروژه بزرگ انرژی، پروژه خط انتقال گاز طبیعی ترکمنستان، افغانستان، پاکستان و هند (TAPI) و

پروژه انتقال برق آسیای مرکزی به آسیای جنوبی (CASA-1000)، افغانستان در پروژه‌های زیرساختی در بخش حمل و نقل نیز سرمایه‌گذاری کرده است، که بندر چابهار یکی از نمونه‌های آن‌ها است (کریمی؛ ۱۳۹۶: ۱۹).

درنهایت افغانستان در صدد گره‌زن منافع اقتصادی کشورها جهت تضمین صلح و امنیت خود از یک طرف و توسعه و اکتشاف کشور از طرف دیگر می‌باشد.

اهمیت چابهار برای ایران

توسعه بندر چابهار به عنوان تنها بندر ایران متصل به دریا، امکان تنوع در واردات کشور را فراهم می‌کند؛ هرچند محدودیت‌هایی در خلیج فارس وجود دارد. استفاده از بندر چابهار ترانزیت کالا را به افغانستان و آسیای میانه تسريع کرده، هزینه‌های خالص کالاهای را در بازارهای منطقه‌یی کاهش خواهد داد و استفاده از این بندر، ترانزیت کالاهای را رونق بیشتر خواهد بخشید.

توسعه بندر چابهار و احداث راه‌آهن چابهار – زاهدان – مشهد، پیامدهای مثبت و ارزشمندی در توسعه منطقه شرقی ایران خواهد داشت و ایجاد فرصت‌های تولیدی در بخش‌های صنعت، معدن، ساخت‌وساز، فرصت‌های کاری زیادی برای نیروی کار محلی، منطقه‌یی، ملی و بین‌المللی ایجاد خواهد شد. این موضوع درنهایت به صورت مؤثری خلای جمعیتی موجود را پر نموده و باعث کاهش تجارت‌های غیرقانونی نظیر قاچاق مواد مخدر می‌شود. این اقدامات موقعیت جغرافیایی فعلی را به یک منطقه جئوپولیتیک تبدیل کرده و جای‌گاه ایران را در منطقه ارتقا خواهد داد (خلیلی؛ ۱۳۸۸: ۱۲).

پس از توسعه بندر چابهار و اتمام دهليز ترانزیتی جنوب شرقی - شمال شرقی از چابهار تا سرخس، کشتی‌ها، بندر چابهار را برای بارگیری و تخلیه محموله برای کاهش مصرف سوخت و زمان، انتخاب می‌کنند؛ بنابراین، این یک فرصت عالی برای ایران است تا درآمد هایش را بلند ببرد. بندر چابهار در آینده برای توسعه مناطق شرقی و بهبود تجارت خارجی ایران امیدوار کننده است. توسعه و فعالیت این بندر می‌تواند برای کاهش بار اضافی در جاده‌های ارتباطی کشور مفید باشد؛ زیرا ایران مجبور به واردات، صادرات و توزیع کالا در نیمه شرقی خود از طریق بندهای خویش در خلیج فارس می‌باشد؛ در همین حال، استفاده از بندر آبی چابهار، منافع اقتصادی بسیاری را برای مناطق شرقی این کشور هم از لحاظ تجاری و هم به لحاظ توسعه ترانزیت و اقتصاد منطقه به بار خواهد آورد (رحمتی؛ ۱۳۸۶: ۱۶).

هند و چابهار

برای دهلی نو، موافقت نامه بندر چابهار و تبدیل بندر چابهار به یکی از مراکز فعالیت های اقتصادی هند در اوراسیا و دریای هند، یک تصمیم استراتیژیک بود. در آینده اگر هند هر طرحی برای رقابت با ابتکار «یک کمر بند، یک جاده»، چین را داشته باشد، بندر چابهار با دهليز بين المللی حمل و نقل شمال - جنوب، ستون اصلی اين استراتيژي خواهد بود.

برخی از پژوهش گران امریکایی ادعا می کنند، که پروژه بندر چابهار قادر «منطق اقتصادی روشن»^۲ می باشد و اين پروژه را «انحراف خطروناک از پروژه های مهم دیگر»^۳ برای هند می دانند. برای هند اما هرچند اين گزارش ارزش استراتیژیک چابهار را زیر سؤال می برد؛ با آن هم پروژه چابهار همراه با دهليز شمال - جنوب نه تنها ظرفیت پیشرفت روابط اقتصادی با ايران، آسیا بی امکزی و افغانستان را دارد؛ بلکه تجارت قاره بی هند را نیز مت حول خواهد ساخت (امیری؛ ۱۳۹۶: ۸۰).

هنگامی که توافق بین هند و ايران روی توسعه بندر چابهار و همچنان توافق سه جانبه میان افغانستان، هند و ايران برای تأسیس دهليز ترانزیت و حمل و نقل جهانی امضا شد^۴ روزنامه هندی The Indian Express در سرمهاله اش نوشت که اين پروژه به عنوان «ماندگارترین میراث استراتیژیک» برای نارنده مودی، نخست وزیر هند و همچنان به عنوان «آغازی برای بلندپروازی های هند در ورای دریاهای» در تاریخ ثبت خواهد شد.^۵

بندر چابهار و سیاست خارجی اقتصاد محور و امنیتی هند

با در نظرداشت گفت مان تازه در مورد سیاست خارجی در هند، بندر چابهار و دهليز شمال - جنوب به عنوان بخش جدای ناپذیر دورنمای سیاست خارجی هند محسوب می شود؛ به طور عموم، سیاست های اقتصادی و امنیتی هند با کشورهای دیگر در ۵۰ سال گذشته تحولات جدی بی را پشت سر گذاشته است.

^۲-Sarah Watson, "Does India's Chabahar Deal Make Sense?" The Diplomat, 24 May 2017, <http://thediplomat.com/2017/05/does-indias-chabahar-deal-make-sense/>

^۳ - Ministry of External Affairs, Government of India "India - Iran Joint Statement- " Civilisational Connect, Contemporary Context" during the visit of Prime Minister to Iran, 23 May 2016, http://www.mea.gov.in/bilateral/documents.htm?dtl/26843/India_Iran_Joint_Statement_quot_Civilisational_Connect_Contemporary_Contextquot_during_the_visit_of_Prime_Minister_to_Iran

^۴ - Chabahar Takeoff" The Indian Express, 25 May 2016, <http://indianexpress.com/article/opinion/editorials/chabahar-port-deal-narendra-modi-tehran-india-iran-2817413/>

این تحولات به صورت عموم در نتیجه تحولات جهانی و توازن قدرت در آسیا و همچنان تشدید همبسته‌گی جهانی، تحولات مهندسی و افزایش جریان‌های جدید در اقتصاد منطقه‌یی صورت گرفته‌است. هند توانسته موفقانه، اقتصاد خویش را از گرایش داخلی به یک اقتصاد جهانی تبدیل کند؛ در نتیجه همین سیاست‌های اقتصادی جدید، اقتصاد هند یکی از اقتصادهایی است که سریع‌ترین رشد را در جهان داشته است.

پیامدهای استراتئیک عمل کرد اقتصادی هند به صورت روشن محسوس است. رشد و گرایش خارجی اقتصاد هند به این کشور کمک کرده‌است که هم‌کاری‌های اقتصادی سنتی‌اش را با کشورهای در حال توسعه تجدیدنظر کرده و همچنان با تمام اقتصادهای بزرگ دنیا روابط جدیدی را تعریف کند (کریمی؛ ۱۳۹۶: ۲۲).

هند با سرمایه‌گذاری در چابهار، یک تصمیم استراتئیک اتخاذ نموده است. این پروژه به لحاظ استراتئیک و نیز به لحاظ اقتصادی برای رشد جای گاه هند در آسیا پیامدهای مهمی درپی دارد. هرچند از دیرزمانی هند به اهمیت این پروژه پی‌برده بود؛ اما دولت به تازه‌گی منابعی را برای سرمایه‌گذاری روی این پروژه تخصیص داده است. اجرای به‌موقع این پروژه، جای گاه سیاست خارجی مستقل هند و نیز ظرفیت‌های نهادی این کشور را به محک آزمون قرار خواهد داد؛ به‌ویژه که جای گاه چین با «ابتکار یک کمریند، یک جاده» در منطقه در حال رشد است. روابط تازه هند – ایران – افغانستان، گزینه‌های بیشتری را در اختیار دهلي نو قرار می‌دهد تا این کشور در منطقه اوراسیا بیشتر نقش بازی کند. علی‌رغم بعضی موافع در آغاز، تطبیق پروژه حالتاً به شکل خوبی پیش می‌رود.

در حال حاضر، روابط تجاری هند با منطقه آسیای میانه محدود است و انتظار نمی‌رود تا ده سال آینده، که مرحله اول تطبیق پروژه چابهار است، تعییری بنیادین به میان بیاید. در کنار وصل کردن هند به دهلیز بین‌المللی حمل و نقل شمال – جنوب، این پروژه ظرفیت تعییر مسیر تجارت هند با اوراسیا و اتحادیه اروپا را نیز دارد؛ با این حال، تمرکز اصلی هند باید روی داشتن روابط اقتصادی با ایران و افغانستان باشد؛ با وجود کاهش نیروهای بین‌المللی و تأثیرات اقتصادی آن، روابط اقتصادی هند و افغانستان به طور قابل ملاحظه‌یی رو به افزایش است. این نشان می‌دهد هند با افغانستان یک رابطه اقتصادی واقعی و درازمدت دارد، تا یک رابطه آشفته‌یی که در نتیجه دخالت جامعه جهانی به میان آمده است؛ با توجه به این که ایران هنوز در تلاش برای برداشتن تحریم‌های غرب است، این پروژه بسیار مهم است (رسان‌گاری؛ ۱۳۹۲: ۱۶).

هرچند یکی از اهداف سرمایه‌گذاری در چابهار دور زدن پاکستان است؛ اما درواقع ممکن است اجرای این پروژه پاکستان را هم تحت فشار قرار داده تا این کشور در سیاست خود در قبال افغانستان و هند تجدیدنظر کند. چالش عمدۀ فراوی این پروژه، «ابتکار یک کمربند، یک جاده»‌ی چین خواهد بود، چون تمام کشورهای منطقه به شمول ایران و افغانستان نسبت به این پروژه نظر مثبت دارند. ایران خیلی بی‌علاقه نیست که پای چین را نیز در پروژه چابهار باز کند.

جای گاه اقتصادی چابهار، دهليز اقتصادی چین – پاکستان / ابتکار یک کمربند، یک جاده، ممکن است پالیسی‌سازان منطقه را وادار کنند تا استراتئیژی‌ها را تجدیدنظر کنند؛ با وجود نگرانی‌های هند در مورد دهليز اقتصادی چین – پاکستان، چین نگاه منفی نسبت به پروژه چابهار ندارد. هرقدر کشورها بيشتر باهم وصل گردد، به نفع چين است؛ چون اين کشور يكی از بزرگ‌ترین شركای تجاری تقريباً تمام کشورهای منطقه است. برای نفوذ بيشتر در منطقه، چين همچنان علاقه‌مند است که دهليز اقتصادی چین – پاکستان را به ديجر کشورها به شمول هند نيز توسعه دهد (قادري؛ ۱۳۹۳: ۸)؛ بنابراین، دهليز نو باید روابط هند – ایران – افغانستان را در جهت يك استراتئیژی در سطح کلان‌تر با توجه به معماری اقتصادی در حال ظهور آسیا تنظیم کند. جغرافیای اقتصادی در حال حضور در منطقه، در درازمدت ممکن است محاسبات سياست جغرافیایی را تحت شاعع قرار دهد.



دیپلماسی اقتصادی و امنیت در افغانستان

افغانستان پس از سال‌ها ناارامی و جنگ نیازمند آرامشی است تابتواند بالاتکا بر نیروهای داخلی و متنوع خود، سیستمی ایجاد کند که هم در آن امنیت ملی تضمین شود و هم در تعامل منطقی با جهان قرار گیرد. تعامل با چین، هند، امریکا و اروپا به موازات حفظ روابط دوجانبه و چندجانبه

باکشورهای مسلمان نشین، سیاست خارجی عقلانی افغانستان را هدایت خواهد کرد (تنزه‌ای؛ ۱۳۹۳).^{۴۲}

گمان می‌رود که در ارتباط با چه‌گونه‌گی حفظ امنیت در افغانستان دیدگاه‌های متفاوت وجود داشته باشد. در نگاه داخلی و منطقه‌یی امنیت برای افغانستان، تأکید اصلی روی تقویت و تجهیز نیروهای نظامی و امنیتی افغانستان در داخل و در گسترش هم‌کاری اقتصادی با کشورهای همسایه و کشورهایی است که در سطح منطقه به‌نوعی می‌توانند در تأمین امنیت و یا اخلال در امنیت افغانستان ایفای نقش نمایند. در دیدگاه داخلی - منطقه‌یی تأمین امنیت افغانستان این برداشت وجود دارد که دولت و نیروهای نظامی - امنیتی افغانستان هرگاه در هم‌کاری مؤثری با کشورهای همسایه و اسلامی منطقه قرار گیرد، حفظ امنیت افغانستان در کوتاه‌ترین زمان ممکن قابل حصول خواهد شد. با این حال، واقعیت آن است که طرف‌داران این نگاه از وحدت نظر کافی برخوردار نیستند و چه در داخل و چه در سطح همسایه‌ها و منطقه تردیدهایی در این باره وجود دارد (علی‌آبادی؛ ۱۳۹۲: ۲۶۱).

طبق برداشت این طیف از قدرت، در کابل مشکل امنیت در افغانستان لائق در بخش‌هایی به سیاست‌های همسایه‌گان این کشور بازمی‌گردد. این برداشت اختصاص به دولت افغانستان ندارد و در بخش‌هایی از جامعه افغانستان در ذهنیت‌ها ثبت شده است؛ بنابراین، در نگاه امنیتی داخلی و منطقه‌یی، لازمه تأمین امنیت تغییر سیاست کشورهای منطقه و حمایت کامل آن‌ها از روند استقرار صلح در افغانستان است.

سیاست خارجی از سال ۲۰۰۱ تا سال ۲۰۱۴ بیش‌تر مبتنی بر مسائل و نیازهای امنیتی افغانستان استوار بوده؛ اما در زمان حکومت وحدت ملی، نگاه امنیت محور جای خود را به نگاه اقتصادمحور در سیاست خارجی افغانستان داده است؛ به عبارت دیگر، کنش‌های موجود در سیاست خارجی، در راستای دست‌یابی به منافع اقتصادی و سیاست‌های توسعه‌یوی و انکشافی افغانستان اتخاذ می‌شود. در زمان آقای کرزی از دریچه امنیت به انکشاف و توسعه دیده می‌شد و مسائل اقتصادی و توسعه‌یی بُعد ثانوی داشتند؛ اما، در زمان آقای غنی، حکومت افغانستان می‌خواهد از دریچه اقتصاد به توسعه و انکشاف برسد و مسائل امنیتی امور ثانوی به حساب می‌آیند.

رسیدن به رفاه اقتصادی و خودکفایی، بدون هم‌کاری و تعامل سازنده با جهان، به خصوص کشورهای منطقه، امری ناممکن است؛ بدین لحاظ، به روشی می‌توان دریافت که نظام سیاست خارجی کشور در تحقق این هدف نقش بارز و ارزنده‌یی دارد و حکومت می‌بایست رفاه اقتصادی، خودکفایی و دست‌یابی به امنیت را به عنوان یکی از اهداف سیاست خارجی کشور در اولویت کاری‌اش قرار بدهد؛ به همین جهت حکومت وحدت ملی در اوایل کار خویش، طرح خوداتکایی

اقتصادی و راههای رسیدن به یک اقتصاد پویا و همچنین مدل‌های جامعی را که در رشد، تقویت و توسعه اقتصادی کشور مؤثر هستند در اجلاس مقامات ارشد کشورهای کمک‌کننده ارائه کرد (دانش؛ ۲: ۱۳۹۵).

بعد دیگر اتخاذ دیپلوماسی فعال اقتصادی توسط حکومت، در سطح منطقه است؛ در این راستا اهداف، طرح‌ها و تلاش‌های گسترده‌ی طی دو سال گذشته صورت گرفته، که نتایج درخشنانی هم در پی داشته است. در دیپلوماسی منطقه‌یی، هدف حکومت این بوده است که افغانستان «از نقطه انفصال، به نقطه اتصال و به یک چهارراه ترانزیتی مبدل شود». حکومت در تلاش است که افغانستان را به یک کشور صادرکننده تبدیل کند و به همین خاطر، یک سیاست هم‌گرایی اقتصادی را در منطقه تعییب و تقویت می‌کند.

سیاست هم‌گرایی منطقه‌یی به عنوان یک اصل اساسی در سیاست خارجی حکومت مطرح است و این اصل می‌تواند جغرافیای افغانستان را به یک جغرافیای اقتصادی – سیاسی تبدیل کند، که بر اساس آن، کشور ما می‌تواند نقطه وصل آسیای شرقی، آسیای مرکزی، آسیای جنوبی و آسیای غربی باشد و به سرعت به سمت رشد و شکوفایی اقتصادی حرکت نماید (دانش؛ ۴: ۱۳۹۵).

آن‌چه مشخص است، افغان‌ها به دنبال ایجاد صلح و امنیت در افغانستان می‌باشند. افغانستان برای حفظ امنیت پایدار بیش از هرچیزی نیاز به هم‌کاری و برقراری روابط استراتیژیک با کشورهای همسایه خود دارد، که می‌تواند به حفظ و افزایش امنیت و پیشرفت اقتصادی این کشور کمک‌کنند؛ به‌طور یقین افغانستان با ثبات و امن، برای منطقه و جهان بسیار سودمند و افغانستان نامن و بی‌ثبات و فرورفته در بحران برای منطقه و جهان نیز نقطه تهدیدکننده خواهد بود. ثبات پایدار به همان میزان که برای خود این کشور مهم و حیاتی است، برای کشورهای همسایه و منطقه نیز تعیین‌کننده و حیاتی می‌باشد. درنهایت این که تأمین ثبات پایدار در افغانستان در سایه ایجاد مناسبات خوب و هم‌سویی منطقه‌یی در گرو توانایی و درایت سیاست‌گران کشورها قرار دارد (تنزه‌ای؛ ۱۶: ۱۳۹۳).

واقعیت این است که زمان انفعالی عمل کردن کشورهای منطقه در افغانستان به سر رسیده است و بایستی کشورهای منطقه نقش مثبت خود را در استقرار ثبات پایدار در افغانستان، ایفا کنند و لازمه تحقق آن وجود هم‌سویی و هم‌کاری کشورهای منطقه‌یی با یکدیگر، برگزاری نشستهای منطقه‌یی و ایجاد مناسبات با افغانستان (نمونه توسعه بندر چابهار) است.

نتیجه‌گیری

دیپلماسی اقتصادی یکی از ابزارهای مهم برای پیش‌بُرد اهداف کشورها به حساب می‌آید. توسعه بندر چابهار یکی از مصداق‌های گسترش دیپلماسی اقتصادی می‌باشد. توسعه صادرات و سرمایه‌گذاری‌های مستقیم خارجی، مهم‌ترین عناصر جذب سرمایه، کاهش فقر و افزایش اشتغال در کشورهای در حال توسعه و حتا برقراری امنیت و صلح در آن کشورها به شمار می‌رond؛ در همین باب، پروژه بندر چابهار نه تنها برای افغانستان اهمیت دارد، که برای هند و ایران نیز مهم است و این یک آغاز جدید در روابط افغانستان، هند و ایران به حساب خواهد آمد. تهران قصد دارد از چابهار برای حمل و نقل به افغانستان و آسیای مرکزی استفاده کند. هند نیز فرصت دست‌یابی به منابع غنی گاز و نفت آسیای مرکزی را خواهد داشت و دهلی را به شبکه راه‌آهن ایران وصل خواهد کرد. در مورد پاکستان باید گفت که اجرای این پروژه پاکستان را تحت‌فشار قرار داده تا این کشور در سیاست خود در قبال افغانستان و هند تجدیدنظر کند. در مورد افغانستان باید گفت اگرچه یک کشور محصور در خشکه است؛ اما با توجه به موقعیت استراتیژیک جغرافیایی خود پتانسیل تبدیل شدن به «نقطه اتصال» را در این منطقه دارد، تا درنهایت با گره‌زن منافع اقتصادی کشورها در صدد تضمین صلح و امنیت خود از یک طرف و توسعه و انکشاف کشور از طرف دیگر باشد.

درنهایت باید گفت که: هدف این تحقیق ارائه طرحی بود برای ایجاد منافع مشترک و روابط استراتیژیک میان کشورهای منطقه از طریق توسعه پروژه بندر چابهار تا از دروازه اقتصاد در این نقطه از جغرافیا به صلح و امنیت برسیم.

سرچشمه‌ها

۱. امیری، علی. (۱۳۹۶). «تأثیر توسعه بندر چابهار بر روابط خارجی ایران با پاکستان و افغانستان». پایان نامه تحصیلی. ایران: دانشگاه بیرجند، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، گروه علوم سیاسی.
۲. تنزه‌ای، محمد طاهر. (۱۳۹۳). «امنیت در افغانستان: نگاهی به آینده». کنگره بین‌المللی فرهنگ و اندیشه دینی. دانشگاه پیام نور، مرکز بوشهر.
۳. تنزه‌ای، محمد طاهر. (۱۳۹۸) «بندر چابهار؛ الگوی هم‌گرایی جدید در منطقه». کابل: ژورنال مرکز مطالعات استراتئیک وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی افغانستان. بهار و تابستان، شماره مسلسل (۴۳ و ۴۴).
۴. خلیلی، عبدالرسول. (۱۳۸۸). «از ققنوس بقا تا هژمونی غربیانه تدبیر». ایران: ماهنامه آغاز. شماره ۱۷.
۵. دانش، ضیا. (۱۳۹۵). «اهداف، استراتئیزی و ساختار تصمیم‌گیری در سیاست خارجی افغانستان؛ از منظر قانون اساسی و رئیس جمهور محمد اشرف غنی». ویب‌سایت ریاست عمومی دفتر مقام عالی ریاست جمهوری. https://ocs.gov.af/dr/article_details/52
۶. رحمتی، محمد. (۱۳۸۶). «تبديل چابهار به قطب چهارم اقتصادی ایران». ایران: مجله بندر و دریا. سال ۲۲. شماره ۱۴۵.
۷. رستگاری، مهدی. (۱۳۹۲). «توسعه مزیت‌های رقابتی در صنعت بنادر ایران». ایران: سازمان بنادر و دریانوردی.
۸. رمضانی‌بونش، فرزاد. (۱۳۹۱). «فرصت طلایی چابهار در آینده اقتصاد آسیای مرکزی و نگاه بازیگران». مرکز بین‌المللی مطالعات صلح-IPSC.
۹. سلطانی، علیرضا. (۱۳۸۱). «توسعه بندر آزاد گوادر؛ هم‌کاری چینی-پاکستانی و آثار آن بر ایران». ایران: مرکز تحقیقات استراتئیک مجمع تشخیص مصلحت.
۱۰. شهناوازی، آرمان. (۱۳۹۳). «مطالعه تطبیقی بندر آزاد چابهار با بنادر گوادر پاکستان از لحاظ عمل کرد اقتصادی و سیاسی». پایان نامه تحصیلی. دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران، دانشکده ادبیات و علوم انسانی. گروه جغرافیا.

۱۱. علی‌آبادی، علیرضا. (۱۳۸۷). «**افغانستان و پاکستان؛ چالش طالبان**». ایران: ماهنامه روی‌دادها و تحلیل‌ها. شماره ۲۲۴.
 ۱۲. قادری، علی. (۱۳۹۳). «**دگرگونی در سیاست خارجی چین و جای گاه افغانستان در آن**». وب‌سایت روزنامه افغانستان دیلی.
- http://www.dailyafghanistan.com/opinion_detail.php?post_id=131596
۱۳. کریمی، سید جواد. (۱۳۹۶). «**چابهار کلید توسعه افغانستان**». ایران: فصل نامه علمی پژوهشی روینا، دانشگاه ملی. سال ششم. شماره چهارم.
 ۱۴. محمدی، مهدیه سادات. (۱۳۹۴). «**چشم‌انداز دیپلماسی اقتصادی و تأثیر آن بر روند عضویت ایران در سازمان تجارت جهانی**». پایان‌نامه تحصیلی. ایران: دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، دانشکده علوم سیاسی، گروه روابط بین‌الملل.
 ۱۵. یگانه محلاتی، سیامک، زارع، حیدر و محمدی، عقیل. (۱۳۹۱). «**بررسی جای گاه، راه‌کارها و مراحل ارتقای بندر چابهار به یک بندر نسل سومی**». اولین همایش ملی توسعه سواحل مکران و اقتدار دریایی جمهوری اسلامی ایران.

- <http://moci.gov.af/en>
- <http://thediplomat.com/2017/05/does-indias-chabahar-deal-make-sense/>
- http://www.mea.gov.in/bilateral-documents.htm?dtl/26843/India__Iran_Joint_Statement_quot_Civilisational_Connect_Contemporary_Contextquot_during_the_visit_of_Prime_Minister_to_Iran
- <http://indianexpress.com/article/opinion/editorials/chabahar-port-deal-narendra-modi-tehran-india-iran-2817413/>